

بررسی تاثیر نمایش درمانی در افزایش مهارت‌های حرکتی و حافظه شنیداری کم توان ذهنی با هوش بهر ۷۰-۵۵ در دامنه سنی ۱۵-۱۰ سال

چکیده

هدف: موضوع تحقیق بررسی تاثیر نمایش درمانی در افزایش مهارت‌های حرکتی و حافظه شنیداری کم توانان ذهنی پسر با هوش بهر ۷۰-۵۵ در دامنه سنی ۱۵-۱۰ سال می‌باشد.

روش بررسی: جامعه آماری مورد نظر از دانش آموزان کم توان ذهنی تحت پوشش آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ مشغول به تحصیل بوده و با هوش بهر بین ۷۰-۵۵ در دامنه سنی ۱۵-۱۰ سال قرار دارند، تشکیل یافته است. نمونه پژوهشی که افراد آن به صورت تصادفی انتخاب شدند شامل دو گروه آزمایش و گواه بود که در هر گروه ۲۰ نفر قرار داده شد.

ابزار پژوهش مورد استفاده در این تحقیق آزمون مهارت‌های حرکتی - ادراکی برونینگز-اوزرتسکی و آزمون تقویت (توالی) حافظه شنیداری - بیانی می‌باشد. میانگین‌های بدست آمده در دو گروه آزمایش و گواه از طریق آزمون آماری T (T-test) مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته‌ها: بررسی میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون گروه‌های پژوهش در دروس مختلف و نیز خرده آزمون‌های انجام شده در مهارت‌های حرکتی در اکثر موارد دارای اختلاف آماری معنادار و تغییرات مثبت می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این تحقیق با معنا داری آماری در سطح آلفای ۰/۰۵ (ضریب اطمینان ۹۵٪) نشان داد که اجرای برنامه نمایش درمانی برای گروه هدف، موجب افزایش مهارت‌های ادراکی و تقویت حافظه شنیداری شده است.

کلید واژه‌ها: مهارت‌های حرکتی / حافظه شنیداری / کم توان ذهنی / نمایش درمانی

* فاطمه فخری

کارشناس ارشد کارگردانی، سازمان بهزیستی کشور

حکیمه آقایی

کارشناس ارشد روانشناسی، دانشکده تربیت معلم - پیام نور

حمداله خواجه حسینی

کارشناس ارشد روانشناسی، سازمان بهزیستی کشور

* E-mail: Fatemehfakhri@yahoo.com



مقدمه

آموزش افراد کم توان ذهنی، مبتنی بر روشهایی است که بتوانیم با استفاده از آنها به مفاهیم ذهنی و انتزاعی عینیت بخشیده، فهم آن را برای این دسته از فراگیران آسانتر سازیم. نمایش درمانی از جمله این روشهاست. استفاده از فعالیتهای نمایشی، نه تنها به لحاظ درمانی بلکه از حیث تربیتی و آموزشی نیز دارای اهمیت است.

نمایش در فرایند درمان زمانی محوریت می یابد که بحث از کاهش یا رفع کامل اختلالات روانی و رفتاری در میان باشد. این تصور که صرفاً افراد عادی می توانند در چهارچوب فعالیتهای نمایشی تحت درمان قرار گیرند کاملاً مردود است چرا که نمایش درمانی حتی در رابطه با گروههای کم توان ذهنی، مبتلایان به اختلالات روانی و رفتاری نیز می تواند نتیجه بخش باشد. نگاهی به ابعاد تربیتی و آموزشی برنامه های نمایشی به ویژه در معهود پژوهش هایی که در خصوص معلولین ذهنی و افراد دارای اختلالات رفتاری صورت گرفته، بیانگر آن است که پرداختن به چنین فعالیتهایی موجب افزایش مهارت های شناختی و قابلیت های حرکتی این افراد می شود.

چنان که می دانیم افراد کم توان ذهنی دارای عملکرد پایین تر از حد طبیعی هوش عمومی و کلی هستند که با محدودیتهای قابل توجهی در حداقل دو زمینه از رفتارهای سازشی، مانند ارتباط با دیگران، مراقبت از خود، مهارتهای اجتماعی و حرکتی مواجه می باشند.

آگاهی از تأثیرات شگرف فرایند نمایش درمانی در آموزش و توانبخشی کم توانان ذهنی ما را بر آن داشته است تا تأثیر فعالیتهای نمایشی بر کم توانان ذهنی آموزش پذیر را در عملکرد حافظه شنیداری و مهارتهای حرکتی آنان به عنوان هدف نهایی بررسی نماییم.

آن چه که از هدف نهایی تحقیق دنبال می شود؛ تدوین برنامه ای عملی جهت افزایش و بهبود مهارتهای حرکتی و ارائه راهکارهایی به منظور بهبود حافظه شنیداری - بیانی معلولین ذهنی می باشد.

روش بررسی

جامعه آماری مورد نظر از دانش آموزان پسر کم توان ذهنی تحت پوشش آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ مشغول به تحصیل بوده و با هوش بهر بین ۷۰-۵۵، براساس آزمون ریون در دامنه سنی ۱۰-۱۵ سال قرار دارند، تشکیل یافته است.

افراد نمونه پژوهشی به صورت تصادفی انتخاب شدند، چرا که محققان قصد داشتند تا برای تمامی افراد تشکیل دهنده جامعه آماری، فرصت برابری را برای ورود به نمونه پژوهشی ایجاد کنند. بدین لحاظ حجم نمونه

شامل دو گروه آزمایش و گواه بود که در هر گروه ۲۰ نفر قرار داده شد. با توجه به اینکه سن، جنس و هوش، متغیرهای کنترل شده ما محسوب می شود، افراد نمونه پژوهشی با توجه به این سه مورد کنترل شده اند چنان که در نمونه تحقیق، از دانش آموزان با دامنه سنی ۱۵-۱۰ سال و هوش بهر ۷۰-۵۵ و جنس مذکر استفاده شده است. ضمناً محققان تلاش کردند تا با بررسی پرونده های تحصیلی، افراد نمونه را به صورتی انتخاب کنند که از حیث خانوادگی همگن باشند.

برای ارزیابی این دو گروه به آزمون های خاصی نیاز داشتیم. بدین منظور از آزمون های تقویت مهارتهای ادراکی - حرکتی (برونینکز - اوزرتسکی) و تقویت حافظه شنیداری - بیانی استفاده شد (۱) که قبل و بعد از اجرای برنامه نمایشی به عنوان پیش آزمون و پس آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و گواه اجرا گردید.

قبل از توضیح نحوه اجرای آزمون لازم به ذکر است که نمونه مورد پژوهش، با بررسی پرونده های تحصیلی و مصاحبه با مربیان، از حیث خصوصیات جمعیت شناختی مانند سن، جنس، هوش بهر، تحصیلات، و شرایط اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی در قالب همگن انتخاب شده اند.

الف - آزمون مهارتهای ادراکی - حرکتی برونینکز - اوزرتسکی

۱- خرده آزمون ۲ - ماده ۶ - راه رفتن قدم به قدم (پنجه - پاشنه) به سمت جلوروی خط عبور، برای آزمودنی تعداد کوشش ۲ بار بود، اجرای دوم زمانی بود که آزمودنی در کوشش اول حداکثر نمره را دریافت نمی کرد.

۲- خرده آزمون ۴ - ماده ۱ - پرش جفت پا

آزمودنی تا حد ممکن به قسمت جلو می پرید، قبل از پریدن با زانوهای خمیده پشت خط شروع قرار می گرفت. فاصله هر پرش ثبت می شد. تعداد کوشش ۳ بار بود.

۳- خرده آزمون ۳ - ماده ۸ - ترسیم خط و بعلاوه (+) به طور همزمان آزمودنی با دست غیر برتر خط عمودی رسم می کرد و هم زمان با دست برتر بعلاوه (+) می کشید. آزمودنی ۱۵ ثانیه فرصت داشت تا هر تعداد خطی که می تواند ترسیم کند، و تعداد دفعات ترسیم خطوط بعلاوه (+)

ثبت می شد.

۴- خرده آزمون ۷ - ماده ۱ - بریدن دایره با دست برتر

آزمودنی با دست برتر دایره ضخیم محاط شده در ۶ دایره متحدالمرکز را می برید، تعداد خطاها ثبت می شد. تعداد کوشش فقط یک بار بود.

۵- خرده آزمون ۸ - ماده ۶ - ترسیم خطوط عمودی با دست برتر

آزمودنی باید خطوط عمودی مستقیم را بین خطوط افقی ترسیم کند. تعداد خطوط عمودی ترسیم شده در ۱۵ ثانیه ثبت شد. تعداد کوشش



یافته ها

اطلاعات بدست آمده از اجرای دو آزمون تقویت (توالی) حافظه شنیداری و بروینکر - اوزرتسکی بوسیله بسته نرم افزار spss تجزیه و تحلیل گردید.

۱- میانگین نمره پیش آزمون فارسی در گروه آزمایش ۴/۸۵ و در گروه گواه ۵ می باشد که از لحاظ آماری این اختلاف در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار نمی باشد.

۲- میانگین نمره پیش آزمون در گروه آزمایش و در آزمون فارسی ۴/۸۵ و در پس آزمون برابر ۵/۷ می باشد که از لحاظ آماری این اختلاف (۰/۸۵) در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار می باشد ($P = 0.000$).

۳- میانگین نمره پیش آزمون در گروه گواه در آزمون فارسی ۵ و در پس آزمون ۵/۳ می باشد که از لحاظ آماری این اختلاف (۰/۳) در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار نمی باشد ($P = 0.083$).

جدول ۱ - اختلاف نمره پس آزمون و پیش آزمون فارسی در گروه گواه

گروه	میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه	میانگین اختلاف	P
آزمایش	۰/۸۵	۰/۷۴	۲۰	۰/۸۵	۰/۰۲۴
گواه	۰/۳	۰/۷۳			

اختلاف نمره پس آزمون و پیش آزمون در گروه گواه ۰/۳ می باشد که این مقدار برای گروه آزمایش به ۰/۸۵ می رسد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار می باشد ($P = 0.024$).

میانگین نمره پیش آزمون ریاضی در گروه آزمایش ۴ و در گروه گواه ۴/۷۵ می باشد که از لحاظ آماری این اختلاف در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار نمی باشد.

میانگین نمره پیش آزمون در گروه آزمایش در آزمون ریاضی ۴ و در پس آزمون ۵/۹ می باشد که از لحاظ آماری این اختلاف (۱/۹) در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار می باشد ($P = 0.000$).

میانگین نمره پیش آزمون در گروه گواه در آزمون ریاضی ۴/۷۵ و در پس آزمون ۵ می باشد که از لحاظ آماری این اختلاف (۰/۲۵) در سطح $\alpha = 0.05$ معنی دار نمی باشد ($P = 0.056$).

جدول ۲ - اختلاف نمره پس آزمون و پیش آزمون ریاضی در گروه گواه

گروه	میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه	میانگین اختلاف	P
آزمایش	۰/۸۵	۰/۷۴	۲۰	۰/۸۵	۰/۰۲۴
گواه	۰/۳	۰/۷۳			

یک تمرین و یک ثبت می باشد. هر کدام از این آیتم ها یک ماه پیش از اجرای نمایش بر روی کودکان انجام گرفت.

ب- آزمون تقویت (توالی) حافظه شنیداری - بیانی

در اجرای آزمون تقویت حافظه شنیداری - بیانی ابتدا نام و نام خانوادگی آزمایشگر، نام و نام خانوادگی آزمودنی و تاریخ آزمایش مشخص شد. در این تست از دانش آموزان خواسته شد که کلمات و اعداد را بعد از اینکه آزمایشگر بیان کرد به درستی بیان کند و به ازای بیان هر کدام از کلمات و یا اعداد یک امتیاز مثبت بگیرد.

فرآیند اجرای نمایش:

در گروه آزمایش تعداد ۲۰ کودک ۱۰ تا ۱۵ سال با هوش بهر ۷۰-۵۵ مورد پذیرش قرار گرفتند. این کودکان در هفته ۳ جلسه و به مدت ۸ ماه در برنامه های نمایشی شرکت داده شدند. در این برنامه ها تلاش گردید تا از طریق طراحی یک رشته فعالیت های نمایشی با در نظر گرفتن مشخصه هایی نظیر بالا بردن مهارت های فردی، تقویت و بالا بردن حس اعتماد به نفس، استقلال فردی و تقویت برقراری روابط اجتماعی به اهداف خود نزدیک شویم.

در ابتدای فرآیند اجرای نمایش از تکنیک داستان گویی به عنوان عنصری در جهت شناخت و وسیله ای برای تمرکز و عاملی بازتاب دهنده استفاده گردید. معمولاً در ابتدای هر جلسه درمانی که ۲ ساعت به طول می انجامید، حدوداً ۳۰ دقیقه به داستان گویی اختصاص داده می شد و پس از آن فعالیت نمایشی آغاز می گردید که معمولاً از شیوه نمایش خلاقه (بداهه سرایی) که با هدایت کارگردان (دراماترپیست) صورت می گرفت استفاده می شد. ابتدا نمایش ها به صورت غیر عروسکی و بدون استفاده از ماسک های نمایشی بود و کودکان با استفاده از اعضای بدن خود و انجام حرکات فیزیکی (بیان بدنی) سعی در بیان احساسات خود داشتند. پس از طی کردن چندین جلسه درمانی به منظور تنوع بخشیدن به فعالیت های درمانی و ایجاد محیطی جذاب و تأثیرگذار از عروسک ها و ماسک های نمایشی استفاده شد. برای بررسی میزان تأثیرگذاری فعالیت های نمایشی در افزایش مهارت های حرکتی و حافظه شنیداری این گروه از شرکت کنندگان، آزمون های بروینکر - اوزرتسکی و تقویت (توالی) حافظه شنیداری - بیانی، قبل و بعد از اجرای برنامه های نمایشی بر روی آزمودنی ها اجرا شد و نتایج بدست آمده مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفت.

برای بررسی تفاوت نمرات گروه آزمایش و گواه میانگین های دو گروه باهم مقایسه شد و جهت انجام این مقایسه، آزمون t (T-test) مورد استفاده قرار گرفت.



میانگین نمره خرده آزمون ۸ دست غیر برتر در پس آزمون در گروه آزمایش ۵/۳ و در گروه گواه ۳/۵۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار می باشد ($p = 0/022$).

به طور کلی نتایج نشان می دهد که اجرای برنامه های نمایشی تفاوت های معناداری را در عملکرد حافظه شنیداری و مهارت های حرکتی دانش آموزان کم توان ذهنی ایجاد نموده است که این تفاوت در سطح $\alpha = 5\%$ قابل بررسی است.

بحث

نتایج ما با یافته های محققانی چون «کارپنتر و سانبرگ» (۱۹۷۳)، «بام» (۱۹۶۴)، «کاتناخ» (۱۹۹۲)، «میلر و همکارانش» (۱۹۶۸)، مطابقت دارد.

«کارپنتر و سانبرگ» (۱۹۷۳)، شیوه نمایش درمانی را برای نوجوانان دارای اختلالات رفتاری به کار بردند. و به پیشرفت هایی در زمینه رفتار و طرز برخورد این نوجوانان در رویارویی با خانه، مدرسه، و اجتماع آن ها دست یافتند (۲).

«بام» از طریق فعالیتهای نمایشی به ویژه بداهه سازی برای کودکان دارای اختلالات رفتاری، توانست الگوهای مؤثر در جلب مشارکت فعال این کودکان را کشف کند (۳).

کاتناخ (۱۹۹۲)، از طریق نمایش درمانی توانست مهارت های اجتماعی را رشد دهد (۵).

«میلر و همکارانش» (۱۹۶۸)، تأثیر برنامه های نمایشی را بر روی دانش آموزانی که از لحاظ احساسی عقب مانده بودند مورد بررسی قرار دادند و به پیشرفت های چشمگیری در رفتار کلی و روابط بین فردی رسیدند.

وجه شباهت تحقیقات انجام شده توسط محققان خارجی و تحقیق حاضر این است که در تمامی پژوهشهای مذکور بر تأثیر مثبت فعالیتهای نمایشی در قابلیت های روانی و اجتماعی به ویژه رفع مشکلات رفتاری تأکید شده است اما وجه تمایز پژوهش انجام شده با سایر پژوهشهای این حوزه این است که برای نخستین بار، تأثیر فعالیتهای نمایشی در بهبود حافظه شنیداری و قابلیت های حرکتی معلولان ذهنی بررسی شده است بنابراین به نظر می رسد که این پژوهش دارای تأثیر کاربردی تری در برنامه ریزی های آموزشی و توانبخشی معلولان ذهنی است. چرا که برای آموزش فرد کم توان ذهنی، افزایش دامنه حرکت و حافظه حائز اهمیت است. بنابراین برای آن که بتوانیم به برنامه های آموزشی در حیطه کم توانی ذهنی، جنبه کاربردی تری ببخشیم می توانیم با استفاده از فعالیتهای

اختلاف نمره پس آزمون و پیش آزمون در گروه گواه ۰/۲۵ می باشد که این مقدار برای گروه آزمایش به ۱/۹ می رسد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار می باشد ($P = 0/001$).

میانگین نمره خرده آزمون ۲ در پیش آزمون در گروه آزمایش ۳/۷ و در گروه گواه ۳/۰۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد. ($p = 0/303$).

این مقدار در خرده آزمون ۲ در پس آزمون در گروه آزمایش ۴/۶ و در گروه گواه ۳/۲۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار می باشد ($p = 0/023$).

میانگین نمره خرده آزمون ۳ در پیش آزمون در گروه آزمایش ۴/۶ و در گروه گواه ۳/۵۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/148$).

میانگین نمره خرده آزمون ۳ در پس آزمون در گروه آزمایش ۵/۳ و در گروه گواه ۳/۵۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار می باشد ($p = 0/022$).

میانگین نمره خرده آزمون ۴ در پیش آزمون گروه آزمایش ۶۵/۵ و در گروه گواه ۶۵/۴۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/996$).

میانگین نمره خرده آزمون ۴ در پس آزمون در گروه آزمایش ۷۱/۳ و در گروه گواه ۶۹/۰ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/771$).

میانگین نمره خرده آزمون ۷ در پیش آزمون گروه آزمایش ۶/۲ و در گروه گواه ۵/۸ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/760$).

میانگین نمره خرده آزمون ۷ در پس آزمون در گروه آزمایش ۵ و در گروه گواه ۵/۷ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/583$).

میانگین نمره خرده آزمون ۸ دست برتر در پیش آزمون در گروه آزمایش ۱۰/۷ و در گروه گواه ۱۰/۴۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/264$).

میانگین نمره خرده آزمون ۸ دست برتر در پس آزمون در گروه آزمایش ۱۳/۵ و در گروه گواه ۱۰ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار می باشد ($p = 0/031$).

میانگین نمره خرده آزمون ۸ دست غیر برتر در پیش آزمون در گروه آزمایش ۴/۶ و در گروه گواه ۳/۵۵ می باشد که از لحاظ آماری در سطح $\alpha = 5\%$ معنی دار نمی باشد ($p = 0/148$).



نمایشی، آنها را به تحرک فرابنده، گوش کردن با دقت بیشتر و انسجام حرکات و رفتارها ترغیب کنیم.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که انجام فعالیت‌های نمایشی در افزایش توانایی‌های فیزیکی و تقویت مهارت‌های حرکتی کم توانان ذهنی مؤثر است. چنان‌که تفاوت نتایج حاصل از پیش‌آزمون و پس‌آزمون با اختلاف معنی‌داری (۰/۹۵)، این تأثیر را نشان می‌دهد. انجام فعالیت‌های نمایشی در تقویت حافظه شنیداری کم توانان ذهنی مؤثر است. چنان‌که تفاوت نتایج حاصل از پیش‌آزمون و پس‌آزمون با اختلاف معنی‌داری (۰/۹۵) گویای این تأثیر است. لذا پیشنهاد می‌شود:

- ۱- مسئولان آموزش استثنایی و توانبخشی می‌بایستی نسبت به اهمیت برنامه‌های نمایش در تعلیم و تربیت افراد کم توان ذهنی توجه شوند.
- ۲- محققان به انجام کارهای پژوهشی پیرامون نقش و اهمیت برنامه‌های نمایش درمانی در بهبود کیفیت آموزش و توانبخشی کم توانان ذهنی تشویق شوند.
- ۳- قوانین و دستورالعمل‌های موجود در زمینه آموزش و توانبخشی کم توانان ذهنی بازبینی و اصلاح شده و بویژه برنامه‌های نمایشی در فعالیت‌های کلاسی این دسته از توانخواهان گنجانده شود.

تشکر و قدردانی

جای دارد از زحمات بیدریغ جناب آقای داورمنش که با رهنمودهای ارزنده خویش ما را در انجام این پژوهش یاری نموده‌اند کمال تشکر و قدردانی را به عمل آوریم. همچنین از جناب آقای احمدرضا باغستانی که به عنوان مشاور آماری، با گروه تحقیقاتی همکاری نموده‌اند سپاسگزاریم.

- منابع:
- 1- Bruin inks. R. H. Bruin inks oseretsky Test of Motor proficiencies Examiner manual. Circle pines, MN, American Guidance service. (1978).
 - 2- Carpenter and sanberg. "The predictors and effects of participation in interactive activities," California journal of educational research 26(2), (March 1973), 63-86.
 - 3- Baum, N. "psychodrama and multimedia therapy with emotionally disturbed children ", group psychotherapy and psychodrama, 21(January-march 1964).48-66.
 - 4- Cattanach, A. (1992) drama therapy for people with special needs. London :A&C Black publishers Ltd. Pp.50-83.
 - 5- Miller, R, and others. Educational Programming in simulated environments for seriously emotionally handicapped high school students (Washing ton, D. C: Bureau of Reaserch, Office of education, 1968), pp. 7-80
 - 6- Duke, eh. Creative Dramatics and English Teaching. (Urbana, national Council of Teachers of English, 1974), pp 94-96.